

کتابتیں

ISSN : 2228-5679

[illegible]

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ✦ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ✦ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان فی الدین بن محسن عاملی ✦ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ✦ حاج شیخ جعفر شوشتری ✦ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ✦ زندگینامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ✦ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرچی ✦ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ✦ سه اجازه از بزرگان حله ✦ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
ببیت و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ✦ نگاهی به الاخبار الدخیله ✦ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ✦ آفاق نجف ✦
گزارش سفری به ریاض ✦ تصحیح اعیان الشیعه ✦ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها ✦ آثار نو یافته

کتاب پیوست: ملحق مال الاصل

حاج شیخ جعفر شوشتری

رضا اسنادی



الحاج الشيخ جعفر الشوشتری

يقدّم الكاتب مرصداً لسيرة أسلاف الشيخ جعفر الشوشتری، خصوصاً والده الشيخ حسين واعظ الشوشتری، ثمّ يستعرض سيرة الشيخ جعفر ومؤلّفاته، مرّزاً على كتابه منهج الرشاد وخصائص الحسين عليه السلام اللّذين يسهب في الحديث عنهما، ثمّ يشير إلى تلاميذه والمجازين منه، ويعرّف بمآثره. وفي الختام يورد مطالب موقّعة عن مقامه العلميّ وفقاهته، منبره وقوّة خطابه، زيارته التاريخية إلى مشهد، وحديثه في مسجد سپهسالار في طهران

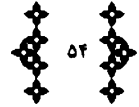
چکیده: نگارنده، شرح حال نیاکان شیخ جعفر شوشتری به ویژه پدرش شیخ حسین واعظ شوشتری، و پس از آن شرح حال شیخ جعفر و تألیفات او را گزارش می‌کند. در مورد دو کتاب منهج الرشاد و خصائص الحسين عليه السلام تفصیل بیشتری ارائه می‌کند، شاگردان و افراد مجاز از او را یادآور می‌شود، و خاندانش را می‌شناساند. پس از آن در باب مقام علمی و فقاہت، منبر و نفوذ کلام او، سفر تاریخی او به مشهد و سخنرانی در مسجد سپهسالار تهران، مطالب مستندی می‌آورد.

کلید واژه: شوشتری، جعفر؛ واعظ شوشتری، حسین؛ منهج الرشاد (کتاب)؛ خصائص الحسين عليه السلام (کتاب)؛ شوشتری، جعفر - فقاہت؛ شوشتری، جعفر - منبر؛ شوشتری، جعفر - سفر به مشهد؛ فقاہی شیعه - قرن ۱۴ شوشتری، جعفر - شاگردان؛ مسجد سپهسالار

کتاب شیعه (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

(مقالات)

حاج شیخ جعفر شوشتری



در بهمن ماه سال ۱۳۸۹ (= ۱۴۳۲ ق) برابر با ایام اربعین شهادت حضرت امام حسین علیه السلام به مناسبت دویستمین سال تولد فقیه بزرگوار حاج شیخ جعفر شوشتری - رضوان الله تعالی علیه - همایش بزرگداشت آن مرحوم در شوشتر در محلی بسیار باشکوه برگزار شد.

چون اینجانب یکی از سخنرانان این همایش بودم برای آشنایی بیشتر با شرح حال آن فقیه و واعظ وارسته به کتاب‌های فراوانی مراجعه کردم، و به این نتیجه رسیدم که تاکنون شرح حال جامعی درباره وی و خاندانش نگاشته نشده، و از سویی در شرح حال‌های تدوین شده برخی اشتباهات هم پیش آمده که مناسب است یادآوری شود.^۱ از این رومناسب دیدم با تشکرو سپاس از کسانی که تا این تاریخ در این باره قلم زده و زحمت کشیده‌اند در حد مقدور با مراجعه به مدارک بیشتر^۲ شرح حال جامعی و یا دست کم جامع‌تری به اهل فرهنگ و دانشمندان و به ویژه به فرهیختگان خوزستان و شهر مذهبی شوشتر تقدیم کنم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

پدرو نیکان

آنچه از خود ایشان در اختیار است: در آغاز کتاب خصائص الحسین نوشته: «اما بعد، فیقول الأحقار ابن الحسین جعفر التستری...».

در آغاز کتاب منهج الإرشاد فرموده: «وبعد، اقل وأحق خلق الله خادم الشرع الأطهر ابن الحسین جعفر به عرض برادران دینی می‌رساند...».

و در پایان تقریظی که بر کتاب لوائح الرحمن نوشته آمده: «حز به علی وجه العجلة أحق خادم الشرع جعفر التستری فی النجف الأشرف ۱۲۹۴».

و نقش مهرش «لا إله إلا الله الملك الحق المبين عبده جعفر».

و مؤلف کتاب غنیمة السفر^۳ او را با عنوان «الشیخ جعفر بن الحسن بن علی بن علی التستری»، یاد کرده است.

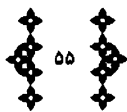
و در شرح حال خود نوشت پدرش چنین آمده است:

اقل الراعظین وأدل الحاج والمتمیزین و نواب نعال العلماء والمجتهدین وأقل از دره درمیان اهل آسمان وزمین، حسین بن الحسن بن علی بن علی بن الحسن الراعظ المعروف بالواعظ والملقب بالنجار^۴ الکرلانی مولداً و مسکناً و مدفناً إن شاء الله تعالی والشوشتری موطناً.

از شرح حال جد سوم و جد چهارم او که شاید لقب واعظ و نجاد داشته و واعظ بوده اطلاع در دست نیست. فقط در الإجازة الکبيرة در شرح حال محمد بن علی بن الحسن می‌نویسد: «یروی

۱. دوست و پنجمین سال صبح است.
۲. تا رگی شرح حال خود نوشت پدر را بیافا شد که با مراجعه به آن می‌توان برخی اشتباهات را تصحیح نمود. این شرح حال در کتاب شیعہ شماره ۲ چاپ شد.
۳. به حدود پنجاه کتاب و مقاله از نگاشته‌های دوست سال پیش تاکنون مراجعه و استفاده شد.
۴. دوره، ج ۱، ص ۲۴۶ و فهرست و استفاده شد.
۵. قدیم‌ترین شرح حالی است که در بیان فهرست شوشتری به صورت یک رساله نگاشته شد. تاریخ تألیف آن همان سال وفات علامه شوشتری است و آن با شرح حال مؤلفش زاد کتاب چاپ جدید مطبوعات برخی از انتشارات در شوش سال ۱۳۸۹ و بعد به بیید.
۶. وجه لقب نجار در بررسی تولد، تاریخ طهرانی درج ۹۴۹، ص ۲۴۹ می‌نویسد: «تفسیر این السهل المقدم هو عیسی بن داود النجار الکوفی...».
۷. محمدرضا علی النجار الشاهرودی نویسنده یکی از بزرگان شیخ نقل شده که مقصود این نیست که جد ما حرفه نجاری داشته است.





هن جده کثیراً،^{۲۰} از این عبارت اگر جده صحیح باشد نه «جذی» استفاده می‌شود که جد چهارم حاج شیخ جعفر نیناز علما بوده است.

اما از سه پسر جد سوم او به نام‌های محمد نجار و علی نجار و مقصود نجار در کتاب تذکره شوشتر یاد شده است.

در تذکره شوشتر آمده است:

چون حضرت سید نعمت الله [جزائری] - رحمه الله و رضوانه علیه - در دارالمؤمنین شوشتر اختیار توطن نمود، مردم را به اکتساب علوم و معارف و رغبت افزود، همه مشتغلوین و مستعدون به مدرس آن عالی جناب شتافتند و در ظل تربیت آن بزرگوار نشرو نما یافتند و اساسی جمعی از ایشان به ترتیب حروف به تهجی که در ذکر رجال معروف است در این تذکره ثبت می‌شود:

.... مولانا محمد بن علی النجار عالمی عالی مقدار و مرشدی کامل عیار و فاضلی فرخنده آثار بود و در امور دین به غایت راسخ و متصلب. و در امر معروف و نهی منکر مساهله و مدافعه روانی داشت. و در علوم شرعیه خصوصاً تجوید و تفسیری نظیر بود. و از آثار اوست کتابی کبیر موسوم به مجمع التفاسیر، و کتابی فارسی در سیرت ملوک، و تدوین حواشی قرآن، و جمع مابین شرح و متن تهذیب و استبصار. و وفات او در سال [هزار و صد و] چهل بود، رحمه الله علیه.^{۲۱}

و سید نعمت الله جزائری در اجازه‌ای که در ۱۱۱۱ برای این شاگرد خود نوشته، او را اینطور معرفی کرده:

الولد السعيد الحميد العالم العامل الفاضل الكامل المحقق المدقق الصالح الورع التقى المولى محمد الشوشتری....^{۲۲}

و صاحب تذکره شوشتر در کتاب دیگر خود، الاجازة الکبيرة، می‌نویسد:

مولی محمد بن علی نجار تستری برادر مولانا علی بن علی نجار تستری، کان عالماً محدثاً مفسراً، امام الجمعة والجماعة واعظاً خطیباً متقیاً مرکباً اِلیه. از جدش بسیار روایت می‌کرد. سپس به اصفهان و مشهد الرضا^ع سفر کرد و نزد ملا محمد الرحیم جامی و غیره درس خواند. از تالیفات او است تفسیر کبیر و رساله فارسی در سیرت ملوک، و ایشان حواشی قرآن را گردآوری کرد و متن تهذیب و شرح استادش را با هم جمع کرد. و در حیات استادش و بعد از وفات او از آثار او پیروی می‌کرد. من از یرکات او بسیار استفاده کرده‌ام.

در سال ۱۱۴۰ از دنیا رفت، رحمه الله علیه.^{۲۳}

در کتاب نابغه فقه و حدیث آمده:

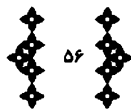


۲۰. الاجازة الکبيرة، ص ۱۶۸.

۲۱. تذکره شوشتر، ص ۱۲۷.

۲۲. نابغه فقه و حدیث، ص ۳۰۵.

۲۳. الاجازة الکبيرة، ص ۱۷۸.



کتابی که محمد بن علی نجاردرسیرت ملوک نوشته، ترجمه یک نور از انوار نعمانیه است و نام آن تحفة الملوک می باشد و نسخه ای از آن را دیده ام.
و اینکه علامه طهرانی به نام «سیر الملوک» و یا «رسالة فی السیر و السلوک» یاد کرده اند اشتباه است.

و نیز می نویسد:

از تفسیر نجار هم نسخه مورخ ۱۱۳۷ به خط خود او که تفسیر از آیه ۳۳ سوره توبه تا آخر سوره هود را دارا بود دیده ام.^{۱۱}

و مقصود از تدوین حواشی قرآن جمع آوری حواشی سید نعمت الله جزائری به صورت کتاب است. و گویا این همان کتاب العقود والمرجان فی تفسیر القرآن باشد که در ذریعه یاد شده و درباره آن توضیحاتی داده اند.^{۱۲}

و نیز مقصود از جمع بین متن تهذیب و شرح آن و یا جمع بین متن تهذیب و استبصار و شرح آن، استنساخ نسخه ای از شرح استادش سید نعمت الله جزائری با ذکر کامل احادیث است؛ زیرا مرحوم جزائری اصل حدیث را کامل ذکر نکرده بوده است.^{۱۳}

و این محمد بن علی نجار عموی جد مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری است نه جد او آنطور که علامه طهرانی در برخی موارد فرموده است.

آری گفته شده: «اوجد آية الله حاج شيخ بهاء الدين محلاتي متوفى ۱۳۶۰ شمسی است»، که از علمای شیراز و از مراجع تقلید بود.

مؤلف کتاب سودمند اختران فقاهاست گویا به نقل از کتاب آية الله محلاتی و خاندان سیصد ساله روحانیت و فقاهاست می نویسد:

فلاح محمد نجار شوشتری فرزندی به نام احمد دانست، او از شوشتر به محلات مهاجرت کرد. خداوند در سال ۱۲۸۸ به او فرزندی عطا کرد که نامش را محمد علی نهاد. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری تحصیلات مقدماتی به حوزه بروجرد و سپس به حوزه اصفهان رفت و سالیان دراز از درس حجة الاسلام شفتی بهره برد و در سال ۱۲۶۰ به دستور استادش به شیراز مهاجرت نمود و در سال ۱۲۸۴ از دنیا رفت.

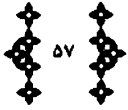
او فرزندان متعددی داشت. یکی از آنها شیخ محمد حسین محلاتی متولد ۱۲۴۷ و متوفای ۱۳۰۹ می باشد. وی از شاگردان میرزای شیرازی و پدر حاج شیخ محمد جعفر محلاتی که از شاگردان آخوند خراسانی و والد معظم آية الله حاج شیخ بهاء الدین محلاتی است.^{۱۴}

۱۱. نایفه فقه و حدیث، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۱۲. ذریعه، ج ۱۵، الیس کتاب، اخیر چاپ و منتشر شده است. و یوستاد.

۱۳. به ذریعه، ج ۱۶، ص ۱۹ و ج ۱۸، ص ۱۷ رجوع شود.

۱۴. اختران فقاهاست، ص ۹۷۲، یا تلخیص.



باید یادآوری کنم: اینکه جد مرحوم آیه الله محلاتی محمد نام داشته و تستری بوده در اعلام الشیعه و مکیام الگاریاد شده،^{۱۹} اما اینکه آن محمد تستری همان محمد نجار شوشتری باشد معلوم نیست. فقط علامه طهرانی در اعلام الشیعه سده سیزدهم در شرح حال ملا محمد علی جد دوم آیه الله محلاتی نوشته است: «پدرش ملا محمد عموی پسر عموی (کذا) شیخ جعفر تستری است».^{۲۰}

در هر حال اگر محمد نجار تستری جد آیه الله محلاتی باشد، احتمال است که ملا احمد نوه ملا محمد باشد نه فرزند او؛ زیرا همان طور که برخی از بزرگان فرموده اند اینکه فاصله بین وفات جد و تولد نوه هشتاد و چند سال باشد، نیاز به بررسی دارد؛^{۲۱} زیرا بسیار بعید است.

ملا محمد النجار فرزند دیگری به نام عبدالله داشته است. در تذکره شوشتر (ص ۱۳۵) می نویسد: «ملا عبدالله بن ملا محمد نجار امام جماعت و پیشوای اهل تقوی و قضاقت است».

در تذکره شوشتر درباره پسر دیگر علی نجار که عموی دیگر جد مرحوم حاج شیخ جعفر است می نویسد: مولانا مقصود بن علی النجار برادر مولانا محمد و مولانا علی مذکورین به مؤذای «ذریه بعضها من بعض» برارنده محراب سداد و فرزندده منبر و عطف و ارشاد بود و در سال ۱۱۳۶ وفات یافت».^{۲۲}

از ایشان بیش از این اطلاعی نداریم. و اینکه علامه طهرانی در یک جا فرموده «ملا مقصود علی برادر ملا حسین است»^{۲۳} اگر درست باشد در نام با مقصود بن علی النجاریکی است.^{۲۴}

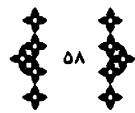
و اما علی بن علی النجار التستری که جد دوم حاج شیخ جعفر است. سید عبدالله جزائری در کتاب الاجازة الکبيرة خود می نویسد:

مولانا علی بن علی النجار التستری عالم و روح جلیل، پیشوا و مقتدای اهل تقوی و قناعت، از جوانی تا کنون با او معاشر بوده و از اول لغزشی ندیده ام.
برای طلب دانش دوباره خراسان و اصفهان مسافرت کرد، سپس برگشت و نزد پدرم [سید نورالدین جزائری] مشغول درس شد و من با او در بیشتر درس ها شریک بودم...^{۲۵}

و نیز در کتاب تذکره شوشتر در حداد شاگردان سید نورالدین بن نعمت الله جزائری در شوشتر می نویسد:
مولانا علی [بن علی النجار - سلمه الله - برادر مولانا محمد سابق الذکر] شمع انجمن هدایت و ارشاد... دانشمندی که به بنان بیانش معاهد مشکلات حل پذیر و به لمعات افادانش اذهان مستفیدان از ظلمات جهل مستنیر... جندی قبل از این جمعی از تلامذه در خدمت مولانا به مباحثه [کتاب] نخبه محسنیه اشتغال داشتند و چون در عبارات آن کتاب صنعت ایجاز و اختصار را از حد لائق به کار گرفته



۱۵. اعلام الشیعه سده سیزدهم، ص ۲۱۳ و مکیام
الانوار ج ۱۷، ص ۲۶۶.
۱۶. اعلام الشیعه سده سیزدهم، ج ۳، ص ۱۱۶. شاید
عبادت و هم این عم غلط باشد.
۱۷. اختران قضاقت، ص ۶۹.
۱۸. تذکره شوشتر، ص ۱۳۳.
۱۹. اعلام الشیعه، سده سیزدهم، ص ۲۸۳.
۲۰. البته نام فرزند علی مقصود و نام فرزند حسن را
مقصود علی نوشته است.
۲۱. الاجازة الکبيرة، ص ۱۵۲.
۲۲.



تا آنجا که می‌نویسد: «به اشاره ایشان کتاب التحفة السنية در شرح نخبه محسنیه را نوشتم».

صاحب کتاب الاجازة الكبيرة وتذکره شوشتر و التحفة السنية متولد ۱۱۱۴ و متوفای ۱۱۷۳ و تاریخ شروع تألیف تذکره شوشتر ۱۱۶۴ و تاریخ نگارش الاجازة الكبيرة ۱۱۶۸ می‌باشد و او را با داعی «سلمه الله» یاد کرده است.

تفسیر سوره یوسف تألیف ابن بزرگوار در ذریعه یاد شده^{۲۲} و نسخه‌ای از آن به خط صاحب قاموس الرجال در کتابخانه ایشان موجود بوده که صاحب کتاب نابغه فقه و حدیث آن را دیده است.^{۲۳}

این کتاب در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسیده است. صاحب کتاب نابغه فقه و حدیث می‌نویسد: «سر آغاز نسخه چاپ شده با آن نسخه که من زیارت کرده بودم با هم تفاوت دارد».^{۲۴} بنابراین نیاز به بررسی دارد.

۲۲. ذریعه ج ۴، ص ۱۴۹.
۲۳. نابغه فقه و حدیث، ص ۳۸۶.

۲۴. نابغه فقه و حدیث، ص ۳۸۶.

۲۵. شرح حال خودنوشت ملا حسین شوشتری.

اما جدّ اول حاج شیخ جعفر یعنی حسن بن علی بن علی بن الحسن آطور که در شرح حال خودنوشت پسرش آمده، وی اهل علم بوده و به دست وهابیان شهید شده است.^{۲۵}

پس اینکه صاحب کتاب نابغه فقه و حدیث نوشته است: «التر علمی از او ندیده‌ام»، درست است اما اینکه نوشته نباید او را در مکام الأئمة عنوان حاج ملا حسن یاد می‌کردند، درست نیست مگر ایراد ایشان به لفظ «حاج» باشد نه لفظ «ملا».^{۲۶}

۲۶. نابغه فقه و حدیث، ص ۳۸۷.

از وی دو پسر می‌شناسیم: یکی ملا محمد که از شاگردان سید مجاهد بوده و نسخه‌ای از وسائل الاصول وی را در سال ۱۲۱۶ استنساخ نموده است.^{۲۷}

۲۷. اصحاب الشیعة، س ۱۳، ج ۲، ص ۲۸۰ و ذریعه، ۱۵، ص ۹۰.

اما شیخ حسین واعظ پدر حاج شیخ جعفر خوشبختانه شرح حال خودنوشت آن مرحوم به تازگی یافت شده و در آن این مطالب دیده می‌شود:

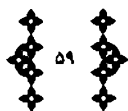
تولد او سال ۱۲۰۰ در کربلای معلی بوده. سه برادر بزرگ‌تر از خود داشته. پدرش در کودکی او به دست وهابیان شهید شده و در نجف اشرف به خاک سپرده شده. مادرش او و برادرانش را به شوشتر آورده. از دوازده سالگی مشغول تحصیل علوم حوزوی شده و مدت کوتاهی در شوشتر نزد سید محمد باقر برادر بزرگتر سید محمد علی بن سید عبدالسلام^{۲۸} درس خوانده.

۲۸. سید محمد باقر و برادرش سید محمد علی و پدرشان سید عبدالسلام در شهر مبارکه یابوی از تاریخ خوزستان، ص ۳۰۹ و ۳۱۰ یاد شده‌اند و هم‌راهی اهل علم و فضل بوده‌اند.

۱۲۴۱ سالگی با مادریه کربلا مشرف شده و تا شانزده سالگی در کربلا بوده و در ۱۲۱۶ به خاطر حمله وهابیان به عتبات عالیات با مادریه شوشتر برگشته.

در سال ۱۲۱۹ با مادر حاج شیخ جعفر ازدواج کرده و در شب بیست و هفتم ماه ذی الحجة که شب





ولادت با سعادت حضرت امام علی النقی علیه السلام است ۱۲۲۷ در سال حاج شیخ جعفر به دنیا آمده.

و تا پنج سالگی حاج شیخ جعفر در شوشتر بوده و سپس او را با برادران و خواهرانش به قصد مجاورت به عتبات عالیات برده و تا سال ۱۲۴۰ در آنجا مشرف بوده.

در سال ۱۲۴۰ به مکه و مدینه مشرف شده و دو سال مجاور آنجا بوده و سپس از راه بصره برای صله رحم به شوشتر آمده و مجتهد العصر و الزمان مرحوم جناب شیخ محسن - قدس الله روحه - والد ماجد جناب مجتهد العصر آقا شیخ محمد طاهر - دام ظلّه العالی - و جناب شیخ محمد جواد و شیخ محمد مهدی و شیخ محمد اسماعیل - دامت توفیقاتهم -، او را در دزفول نگاه داشته و از او خواسته اند که خانواده خود را از عتبات به دزفول بیاورد که آنها جز حاج شیخ جعفر و برادران و خواهران امی و ابی اش و مادرش همه به دزفول آمدند.

در سال ۱۲۴۴ در عتبات طاعون آمد، والدّه حاج شیخ جعفر با سایر الاخوه و الاخوات همه به طاعون در آن سال وفات کردند و حاج شیخ جعفر در حالی که ۱۷ ساله بود تنها به شوشتر آمد، سپس به عتبات بازگشت و مشغول تحصیل و تألیف بود تا در سال ۱۲۵۸ به فرموده جناب شیخ علی و شیخ حسن و شیخ محمد حسن ^{۲۰} و شیخ مرتضی انصاری برای هدایت مردم به شوشتر آمد و مردم شوشتر بسیار خوشحالی کردند که مجتهد مسلم الاجتهادی به شهر آنها آمده که حضرات مجتهدین همه اجازه برای او نوشته اند و برخی از ایشان نوشته اند اگر ما از او اجازه بگیریم سزاوارتر است از این که به او اجازه بدهیم.

این شرح حال را در سال ۱۲۶۰ نوشته و یادآور شده که در این تاریخ از چهار همسر دیگر خود (غیر از مادر حاج شیخ جعفر) یازده پسر و ده دختر دارد که برای اداره زندگی آنها در سختی است.

این بود خلاصه شرح حال خود نوشت حاج شیخ حسین شوشتری پدر حاج شیخ جعفر شوشتری.

تا آنجا که ما اطلاع داریم غیر از این پدر و فرزندان حاج شیخ جعفر از سایر فرزندان او که نام یازده نفر از ذکر آنها در این خود نوشت هست در کتابهای یادی نشده و از شرح حال آنها آگاهی نداریم. فقط در نامه ای که از حاج شیخ جعفر به امین السلطان در دست است به دو نفر از برادرانش که کشاورز بوده اند اشاره شده است.

مؤلف کتاب نابغه فقه و حدیث می نویسد:

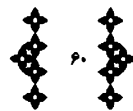
برخی از برادران حاج شیخ جعفر به دزفول مهاجرت کرده و اعقاب آنان که به نجار و حاجی شیخ معروفند در آن شهرند.

و شیخ حسین پس از ۱۲۶۰ تا چه سالی در قید حیات بوده روشن نیست.

۲۹. ابن بزکوان جز شیخ محمد اسماعیل در کتاب شرح حال خاندان آیه الله حاج شیخ محمد علی معزی دزفولی یاد شده اند. وفات حاج شیخ محسن ۱۲۴۶ - ۱۲۴۴ وفات شیخ محمد طاهر ۱۲۴۵ است.

۳۰. مقصود شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن صاحب جواهر است که این عزیزان و شیخ انصاری از شاگردان حاج شیخ جعفر بوده اند.





در این شرح حال از مقام و مدارج علمی او و تألیفاتش هیچ مطلبی گفته نشده فقط آنجا که نام شیخ علی کاشف الغطاء را می‌برد می‌نویسد «استادنا الأعظم وملاذنا الأکرم جناب الشيخ علی» و سپس نام شیخ انصاری را می‌برد با این عنوان: «شیخنا واستادنا بیل استاد الکمل فی الکمل جناب الشيخ مرتضى الأنصاری».

و در گزارش آغاز ورود به کربلا می‌نویسد:

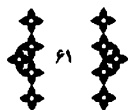
تحصیل علوم و معارف می‌کردیم از خدمت علماء و مجتهدین خصوصاً استاذنا الأعظم وسیدنا الأعلم الأقمم والد سیدنا السید محمد والسید مهدی الطباطبائین^۱ - قدس الله ارواحهم [مقصود صاحب ریاض ودو فرزند او است].

۱. شرح حال سید محمد مجاهد و سید مهدی
طباطبائی فرزندان صاحب ریاض را در اعلام الشیعه
سده ۱۳ ببینید.

در کتاب ذریعه و اعلام الشیعه و نایبه فقه و حدیث چند اثر به عنوان تألیفات ایشان یاد شده که محوری‌تر آنها کتابها و فتاوی استاد اوسید محمد مجاهد است.

۱. تحفة المقلدین مختصر ترجمه اصلاح العمل سید مجاهد.
 ۲. جامع المسائل شامل فتاوی سید مجاهد.
 ۳. تلخیص اصلاح العمل سید مجاهد.
 ۴. منهج الفلاح ترجمه طهارت و صلاة اکمال الاصلاح یا اصلاح العمل سید مجاهد.
 ۵. ترجمه منتخب مصابیح (ظاهراً از سید مجاهد).
 ۶. تلخیص مناهل سید مجاهد.
 ۷. مختصر تلخیص مناهل سید مجاهد.
 ۸. مختصر مناسک حج حجة الاسلام شفتی.
 ۹. رساله‌ای در صلاة به خط او (شاید استنساخ باشد نه تألیف).
 ۱۰. ترجمه منية العرید شهید ثانی - نسخه آن در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.
 ۱۱. تاثری رساله‌ای کوچک شامل بخشی از منبرها و یا خلاصه منبرهای ایشان نیز یافت شده است.
- کتابهایی را هم استنساخ و یا تصحیح کرده که نسخه هایش در کتابخانه‌ها موجود است و یا برخی از دانشمندان آن‌ها را دیده‌اند.
۱. مبادی الأصول علامه حلی تحریر ۱۲۲۶.
 ۲. بخشی از الانوار النعمانیة سید نعمت الله جزائری تحریر ۱۲۲۱. این دو نسخه در مخطوطات دزفول معرفی شده است.
 ۳. صحیفة الرضا، تحریر ۱۲۲۹.





۴. بخشی از امالی سید مرتضی تحریر ۱۲۱۷. این دونسخه در کتابخانه آیه الله گلپایگانی در قم است.

۵. جلد هشتم غایة المرام فی شرح تہذیب الأحکام سید نعمت الله جزائری تحریر ۱۲۳۱.

۶. جلد اول تفسیر ابوالفتح رازی، تحریر و تصحیح ۱۲۲۷. این دونسخه در کتابخانه آیه الله مرعشی است.

۷. ہدایة المحذنین محمد امین کاظمی تحریر ۱۲۱۵. این نسخه در کتابخانه دهگان در اراک بوده است.

۸. شرح زبدۃ الأصول شیخ بهائی تحریر ۱۲۱۵. این نسخه در کتابخانه علامہ طباطبائی شیراز است.

۹. جلد اول ریاض المسائل سید علی طباطبائی رادرسال ۱۲۲۳ در اصفهان در خانه استادش سید محمد مجاهد استنساخ و در سال ۱۲۲۶ در کربلا بانسخه اصل به خط مؤلف مقابله کرده است.^{۳۱}

صاحب قصص العلماء می نویسد:

«بعد از انجام کاروہایت مرحوم آقا سید محمد بہ اصفهان آمد و مدت سیزدہ سال در آن بلد ماند و تدریس فرمود...»^{۳۲}

۱۰. تمہید القواعد (ظ - از شہید).^{۳۳}

۱۱. معنی ابن ہشام.^{۳۴}

از تاریخ کتابت برخی از این نسخه ها برمی آید کہ وی از پانزدہ سالگی شایستگی استنساخ کتاب های علمی عربی را داشته است.

ہنگامی کہ از کتابت جلد اول تفسیر ابوالفتح و مقابله و تصحیح آن فارغ شدہ می نویسد:

کان کتابتہ ومقابلتہ بامر من طاعنہ علی حتم و ہر سیدی واستادی ومن علیہ فی کل العلم استنادی... سمی حبیب الله محمد.^{۳۵}

در پایان کتاب رہن مختصر المناہل می نویسد: «ہذا جزء آخر من مختصر المناہل، اختصرتہ بامر المصنف والمؤلف - دام ظلہ العالی»^{۳۶}

و علامہ طہرانی می نویسد: «اختصر اصلاح العمل لاستادہ بامرہ»^{۳۷}

شرح حال شیخ جعفر شوشتری

در غالب کتاب ہایی کہ شرح حال ایشان آمدہ بہ پیروی از مؤلف کتاب غنیمة السفر تاریخ تولد وی ۱۲۳۰ دانستہ شدہ.

اما در مقالہ ای کہ یکی از نوادہ های او در مجلہ وحید نوشتہ وبہ نقل از او، در مکارم الآثار^{۳۸} معلم

۳۱. اعلام الشیخہ، سدہ سیزدہم، ص ۳۸۲.

۳۲. قصص العلماء، ص ۱۶۲.

۳۳. اعلام الشیخہ، سدہ سیزدہم، ص ۳۸۳.

۳۴. نایب قفہ وحديث، ص ۳۸۷.

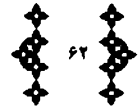
۳۵. تہذیب کتاب های خطی آیت الله مرعشی، ص ۳۸۹.

۳۶. نایب قفہ وحديث، ص ۳۷.

۳۷. اعلام الشیخہ، سدہ ۱۱۳، ص ۳۹۰.

۳۸. مکارم الآثار ج ۷، ص ۸۴.





حبیب آبادی تاریخ تولد ۱۲۲۷ دانسته شده است.

و در شرح حال خود نوشت پدرش که تازگی یافت شده - و در کتاب شیعہ ش ۲ چاپ می شود - به همان ۱۲۲۷ تصریح شده است و اهل البیت آدری بما فی البیت.

محل تولد او در شوشتر بوده و در پنج سالگی در خدمت پدرش به عتبات عالیات مهاجرت کرده و تا سال ۱۲۴۱ یعنی سیزده سالگی او پدرش در عتبات بوده و سپس به مکه و مدینه و سپس به شوشتر مراجعت و در ذوقول می ماند که تا سال ۱۲۶۰ در آنجا بوده و پس از آن تاریخ اطلاعی از او در دست نیست.

حاج شیخ جعفر تا سال ۱۲۴۴ در عتبات مشغول تحصیل بوده و سپس به شوشتر بازگشته و پس از اندکی دیساره به عتبات رفته و تا سال ۱۲۵۸ آنجا بوده و در حالی که مجتهد مسلم شده و از اعظم فقهای آن زمان اجازه دریافت کرده بود به شوشتر آمده است.

این مقدار از شرح حال او در شرح حال خود نوشت پدرش یاد شده است.

پس اینکه در برخی مصادر مانند مکالم الاکابر آمده که «ایشان در پانزده سالگی برای تحصیل علوم به نجف اشرف رفت و در ۱۲۴۶ به شوشتر برگشت و بعد از چندی با پدر خود به عراق آمده و در کربلا ساکن شد... و سپس به نجف رفت... و باز در سنه ۱۲۵۵ به شوشتر برگشت... اشتباه است.»^{۲۰}

اساتید و مشایخ اجازه او

۱. شیخ عبدالنبی کاظمی صاحب کتاب تکملة نقد الرجال، و متوفای ۱۲۵۶. نزد او در کاظمین علیه السلام در جوانی معانی و بیان خوانده است.^{۲۱}

۲. شیخ اسماعیل تستری فرزند صاحب مغایس، و شاگرد سید عبداللہ شبر و متوفای ۱۲۴۷. نزد او در نوجوانی در کاظمین علیه السلام اصول فقه خوانده است.^{۲۲}

۳. شیخ محمد حسین اصفهانی صاحب فصول و متوفای ۱۲۵۴ یا ۱۲۵۵ یا ۱۲۶۱. ایشان در کربلا بوده حاج شیخ جعفر در سال ۱۲۴۴ به خاطر بیماری طاعون از کاظمین علیه السلام به شوشتر رفته و پس از مراجعت از شوشتر به کربلا مشرف شده و از این استاد استفاده کرده است.^{۲۳}

۴. شیخ علی فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و متوفای ۱۲۵۳. حاج شیخ جعفر شوشتری نزد او درس خوانده و از او اجازه اجتهاد با روایت داشته است.^{۲۴}

۵. شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء صاحب کتاب انوار الفقاهه و متوفای ۱۲۶۲ وی از مشایخ اجازه حاج شیخ جعفر تستری است.^{۲۵}

۲۰. و این اشتباه ماریخی اشتباههای دیگر در نوع مصادر شرح حال شیخ جعفر شوشتری علیه السلام نگار شده است. به نظر می رسد آنچه پدرش در سال ۱۲۶۰ درباره این تاریخ در کتابهای دیگر آمده با آن مغایره و در صورت توافق و یا عدم مخالفت قبول گردد.

۲۱. تکملة اهل القمیل، سید حسن صدری ج ۱، ص ۲۵۸.

۲۲. همان.

۲۳. همان.

۲۴. شیعۃ الطریق چاپ شده در کتاب شیعہ، دفتر اول.

۲۵. احصای الودیع، ص ۷۷.





۶۳
۲۶. اعلام الشیعه، سده سیزده، ص ۶۲۱.
۲۷. به تکرار آمل الاصل، سید حسن صدری ج ۴، ص ۲۵۹ رجوع شود.
۲۸. احسن الودیعه، ص ۷۷.

۶. در تعدادی از کتب تراجم، شریف العلماء استاد شیخ انصاری و متوفای ۱۲۴۶ را نیز از اساتید شیخ جعفر شوشتری دانسته‌اند. اما چون آن مرحوم در ۱۲۴۴ به خاطر بیماری طاعون به شوشتر رفته بود و شریف العلماء هم به بیماری طاعون از دنیا رفته است، بعید به نظر می‌رسد که ایشان از او استفاده کرده باشد، بخصوص که سن او هم در این تاریخ بیش از هفده سال نبوده و نیز در کاظمین ساکن بوده، نه در کربلا^{۲۶} و شریف العلماء در کربلا مشرف بوده است؛ پس بازگشت او به عتبات و سکونت در کربلا ظاهراً مصادف با وفات شریف العلماء بوده است. والله العالم.

۷. صاحب احسن الودیعه می‌نویسد:

ارمشیخ حاج شیخ جعفر شوشتری شیخ راضی نجفی متوفای ۱۲۹۰ است که از کبار علماء عصر و عظماء فقهاء دهر خود بود که جمعی از علماء ایران بلکه سایر بلدان در خدمت او تحصیل کرده‌اند.^{۲۸}

۸. سید احمد بن سید محمد نواده سید نعمت الله جزائری و معروف به سید احمد معلم جزائری و متوفای پس از ۱۲۷۹.

علامه طهرانی می‌نویسد:

شیخ جعفر شوشتری مسائلی که حل آن برایش مشکل می‌شد بامکان به از او سؤال می‌کرد و اوجواب می‌داد و اشکال را حل می‌نمود.^{۲۹}

۹. سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط الاصول و متوفای ۱۲۵۶^{۳۰}

۱۰. از مشایخ او ملا محمد نراقی فرزند ملا احمد نراقی است. به کتاب علماء مجاهد (ص ۵۲۰) رجوع شود.

۱۱. صاحب جواهر متوفای ۱۲۶۶. مرحوم شوشتری چند سال در نجف نزد او تلمذ کرده و در حقیقت یکی از دو استاد اصلی او ایشان است. بارها در نوشته‌های فقهی خود از این استاد یاد کرده است.

۱۲. شیخ مرتضی انصاری متوفای ۱۲۸۱

مرحوم شیخ شوشتری پس از سال ۱۲۴۴، از شوشتر به عتبات مراجعت و مدتی ظاهراً در کربلا مشرف بوده و سپس به نجف هجرت کرده و از محضر این دو استاد عظیم الشأن چند سال بهره‌ها برده و در سال ۱۲۵۸ با سفارش و دریافت اجازه از ایشان و غیر ایشان به شوشتر بازگشته است.

پس از این تاریخ ظاهراً در شوشتر بوده تا اینکه در سال ۱۲۷۱ به مکه معظمه مشرف و در مراجعت در نجف مدتی - نمی‌دانیم چه مقدار - مانده و باز از محضر شیخ انصاری^{۳۱} استفاده می‌کرده است.





مجموعه‌ای از نوشته‌های فقهی و اصولی اویه تازگی یافت شده^{۵۱} که در آغازش نوشته:

این مجموعه مسائل متفرقه‌ای است که از شیخنا المرتضی - ادام الله وجوده - هنگامی که در نجف اشرف بودم و هر شب به خدمت ایشان می‌رسیدم تا در برخی مسائل گفتگو کنیم استفاده کرده‌ام و این زمانی بود که در ۱۲۷۲ از سفر حج برگشته بودم.

در این مجموعه مکرراً شیخ انصاری و صاحب جواهر به عنوان «شیخنا» یا استاد یاد می‌کند. اما در مواردی هم که از صاحب فصول و صاحب ضوابط و دلائل الأحکام یاد می‌کند، عنوان شیخنا و استاد درباره آنها به کار نبرده است.

۵۱. عکس این مجموعه در کتابخانه مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه در قم موجود است.

تألیفات

یک: منهج الرشد.

رساله عملیه به زبان فارسی و فقط شامل طهارت و صلات و مقدمه‌ای در اصول دین است.

در سال ۱۲۸۸ زمانی که هنوز مؤلف در شوشتر بود، چاپ اول آن انجام شده و پس از وفات مؤلف مکرراً چاپ شده است.^{۵۲}

۵۲. به فهرست کتاب چاپی فارسی مشارع جود.

این رساله عملیه از حیث متقن بودن، جامع بودن در طهارت و صلا، مسائل را جداگانه و کوتاه بیان کردن، مانند توضیح المسائل زمان ما، و نیز روشن و دارای نثری گویا بودن، بر بسیاری از رساله‌های عملیه آن زمان و بعد از آن زمان برتری داشته است، به حدی که سید حسن صدر می‌نویسد: «لم یکتب مثله‌ا فی الفارسیة تدل علی تبهره فی الفقه ومهارته».^{۵۳}

۵۳. تکرار اصل اول، سید حسن صدر ج ۲ ص ۲۵۸.

علامه طهرانی گوید: «تبحر او در فقه از این کتاب ظاهر است».^{۵۴}

محدث قمی رحمته الله می‌نویسد:

کسی که مراجعه کند به کتاب منهج الرشد آن بزرگوار خواهد دانست که درجه مرتبه از فقاها و اطلاع بوده.^{۵۵}

۵۴. ذریعه ج ۷ ص ۱۶۷.

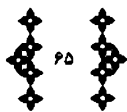
۵۵. فوائد ضروریه ج ۱ ص ۱۶۱ چاپ جدید.

و امتیازات این کتاب موجب شده که تا ده‌ها سال پس از وفات مؤلف مورد توجه ویژه فقها باشد. فقهای بزرگی چون: آخوند خراسانی، صاحب عروه، سید اسماعیل صدر و شیخ عبدالله مازندرانی این کتاب را برای مقلدان خود تحشیه کرده‌اند. منهج الرشد با این چهار حاشیه در سال ۱۳۲۹ چاپ شده است.

علامه طهرانی می‌نویسد:

حاج شیخ محمد رضا دزفولی [معزی] صاحب کتاب کلمة التقوی و متوفای ۱۳۵۲، منهج الرشد را با فتاوی خود مطابق نموده و در ۱۳۳۳ چاپ شده. و به آن منتخب





منهج الرشاد هم گفته می‌شود.^{۵۶}

شیخ مصطفیٰ رهنما بخشی از منهج الرشاد را با فتاویٰ آیه الله حاج آقا حسین بروجردی و شیخ عبدالباقی عراقی و هفت نفر دیگر از فقهای شیعه و فتاویٰ شافعی تطبیق کرده و به نام راه رشد در ۶۰ صفحه در طهران در ۱۳۷۴ به چاپ رسانده است. به ذریعه (ج ۱۱، ص ۱۸۷) رجوع شود.

در سال ۱۲۹۴ محمد مهدی لاهیجانی به امر مؤلف آن را به عربی ترجمه کرده است. نسخه ای از آن در کتابخانه آیه الله حکیم در نجف موجود است و در فهرست آنجا معرفی شده است.

علامه طهرانی نیز از ترجمه آن به عربی یاد کرده و فرموده نسخه آن در نجف موجود است اما از مترجم نام نبرده است. احتمال می‌رود که همان ترجمه قبلی باشد.^{۵۷}

در منهج الرشاد دو جا از مرحوم استاد حجة الاسلام - اعلی الله مقامه - و شیخ الاسلام - اعلی الله مقامه - فتاویٰ نقل می‌کند. اگر مقصود از هر دو یا یکی از دو مورد شیخ انصاری رحمته الله - نه صاحب جواهر - باشد، معلوم می‌شود که تألیف این کتاب پس از رحلت شیخ انصاری (۱۲۸۱) بوده است.

منهج الرشاد مقدمه ای در چهل و چند صفحه شامل شش مقام در اصول دین و تقلید که در خلال آن مسائل بسیار مهمی مطرح شده، دارد که گفته شده جداگانه هم چاپ شده است.

این مقدمه در چاپ چهار حاشیه، که قبلاً یاد شد حواشی همان بزرگواران را دارد و نیز آن را ضمیمه رساله نخبه کلیاسی چاپ کرده اند که حواشی مرحوم سید محمد باقر درجه ای، و ملا محمد باقر فشارکی را دارد. و همچنین در مقدمه مجمع الرسائل حاج محمد حسن جزای اصفهانی نیز چاپ شده که حواشی آقا نجفی اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی و حاج شیخ عبدالکریم یزدی و حاج آقا حسین بروجردی را دارد.

و اینکه در برخی از کتابها گفته اند این بزرگواران منهج الرشاد را تحشیه کرده اند، ظاهراً اشتباه است بلکه آنها بر مجمع الرسائل مذکور یا این مقدمه حاشیه دارند و چون مقدمه منهج الرشاد در آغاز آن قرار گرفته پنداشته اند بقیه کتاب هم منهج الرشاد است.

آنچه با حاشیه آیه الله حاج آقا حسین بروجردی چاپ شده در کتابخانه ما موجود است.

دو خصائص الحسین علیه السلام و مزیای المظلوم^{۵۸}

این کتاب را پس از شصت سالگی نگاشته، و بنا بوده در دو جلد شامل سی عنوان باشد که یازده عنوان و قدری از عنوان دوازدهم آن، جلد اول را تشکیل دهد و بقیه در جلد دوم باشد.^{۵۹} که معلوم نیست ایشان به نگارش آن موفق شده است یا نه.

۵۸. نام کتاب به همین صورت در مقدمه کتاب آمده. ولی کاهن از آن به انوار الحسینیه یا الخصائص الحسینیه هم یاد می‌شود.
۵۹. به مقدمه خصائص، ص ۱۶ و پایان آن رجوع شود.





مؤلف کتاب نابغه فقه و حدیث گوید:

جلد دوم تألیف شده و کسی در کربلا از مرحوم حاج شیخ امانت گرفته و به ایشان برنگردانده است.^{۶۰}

باتوجه به اینکه تولد شیخ ۱۲۲۷ و تألیف این کتاب در شصت و چند سالگی بوده^{۶۱} و نسخه‌ای از آن مورخ ۱۲۹۸ در کتابخانه مدرسه آیه‌الله بروجردی در نجف هست تاریخ تقریبی تألیف معلوم می‌شود.

این کتاب از آغاز تألیف مورد توجه علما بوده و از آن به عظمت یاد می‌شده است.

نسخه‌ای مورخ ۱۳۰۰ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی است که برای حاج شیخ فضل‌الله نوری شهید استنساخ شده است. و نیز نسخه‌های متعددی که قبل از چاپ آن استنساخ شده در کتابخانه‌ها موجود است.^{۶۲}

شش ماه پس از وفات مؤلف چاپ شده و تاکنون حدود ده بار به صورت‌های گوناگون تجدید چاپ شده است.

نیز چند نفر از علما آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند:

۱. و مسائل المجبین از حاج میرزا محمدحسین شریعت‌مدار تبریزی متوفای ۱۳۳۱^{۶۳} تاکنون چندبار چاپ شده است.^{۶۴}

۲. دمع العین علی خصائص الحسین از حاج میرزا محمدحسین شهرستانی متوفای ۱۳۱۵. و صاحب تألیفات فراوان. این کتاب هم دوبار چاپ شده.^{۶۵}

۳. ترجمه خصائص الحسین از محمدجواد بن محمدحسن که در سال ۱۳۰۵ چاپ شده است - فهرست مشار.

در مقدمه دمع العین آمده که تاریخ تألیف آن ۱۳۰۵ و در سال ۱۳۱۳ نیز در بیعتی چاپ شده است. و در پاورقی گفته شده که شاید این محمدجواد جد آیه‌الله شاه‌آبادی باشد. (اعلام الشیعه، سده ۱۴).

ویراستار محترم دمع العین که در سال ۱۳۷۴ در قم چاپ شده، هشت کتاب دیگر را به شرح زیر به عنوان ترجمه یا شرح خصائص الحسین معرفی کرده که هیچ کدام تاکنون چاپ نشده است:^{۶۶}

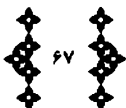
۴. ترجمه‌ای که یکی از شاگردان او نوشته و برخی از مطالبی را که شفاهاً از او شنیده به آن افزوده است. (ذریعه، ج ۱۳).

۵. ترجمه ملاجعفر بن محمد باقر تستری واعظ معروف به شرف الدین و متوفای ۱۳۳۵. این ترجمه شامل نیمی از کتاب است. (ذریعه، ج ۱۳)

۶۰. نابغه فقه و حدیث ص ۳۹۱.
۶۱. در آغاز کتاب فرموده: «لما انتشل الراضی شیخاً...»
رأیت فی ذلک علی السنین...
۶۲. در فهرست‌واره دستنوشته‌های ایران شانزده نسخه از آن معرفی شده است.

۶۳. (ذریعه، ج ۲۵ ص ۷۲).
۶۴. به فهرست مشار حرف و اوزجج شود.
۶۵. به فهرست مشار حرف دال رصوح شود.

۶۶. برای اطلاع بیشتر به ج ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵،



۶. نفائس در ترجمه و شرح خصائص از میرزا اسدالله بن مهدی کاشانی متخلص به «شعری»، در ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ در دو جلد تألیف شده و نسخه آن در کتابخانه آیه الله مرعشی در قم موجود است.

۷. مرآة الزویرین در شرح خصائص الحسین از شیخ محمد باقر فقه ایمانی متوفای ۱۳۷۰. نسخه به خط مؤلف در کتابخانه فرزند دانشمند او در اصفهان موجود است.

۸. ترجمه خصائص الحسین از محمد حسین بن عبدالله خوانساری مقیم بروجرد. نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است - فهرست منزی.

۹. ترجمه ای دیگر از محمد صالح بن محمد تقی استرآبادی متوفای بعد از ۱۳۱۳. نسخه آن در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.

۱۰. فیوضات مسعودیه. تألیف سید مهدی بن حسین موسوی دزفولی که در سال ۱۲۰۳ خصائص را به امر ظل السلطان ترجمه کرده و نسخه ای از آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (نایفه فقه و حدیث و فهرست منزی).

۱۱. ترجمه خصائص الحسین تألیف محمد باقر نیرومند که نواده حاج شیخ و شوهر خواهر صاحب قاموس الرجال است. نسخه آن به خط مؤلف در کتابخانه ایشان در شوشتر موجود است. تاریخ تألیف آن ۱۴۰۷ می باشد.^{۶۷}

سه: اصول دین

گویا مقصود همان مقدمه منهج الرشاد باشد. و چون جداگانه هم به چاپ رسیده، آن را تألیفی جدا به شمار آورده اند. (خاتم‌آبادی، حروف الف)

چهار: حدائق در اصول دین

که عنوان حدیقه حدیقه دارد و فارسی است. نسخه مورخ ۱۲۸۲ آن به خط برادر روفائی شوشتری در کتابخانه مؤلف کتاب نایفه فقه و حدیث بوده است.^{۶۸} و نیز نسخه دیگر آن به خط محمد جواد بن محمد علی بن المؤلف در کتابخانه صاحب قاموس الرجال که برادرزاده کاتب است موجود بوده.

پنج: شکوک الصلاة^{۶۹}

شش: احکام الصلاة و واجبات الصلاة^{۷۰}.

هفت: فوائد المشاهد.

حاج ملا محمد بن علی اشرف طالقانی متوفای ۱۳۲۹ و صاحب تألیفات فراوان که در ۱۲۹۷ وارد نجف شده و تا پایان عمر مرحوم حاج شیخ جعفر از او استفاده می کرد و از اصحاب او شده بود^{۷۱} به فکر افتاد که منبرهای حاج شیخ را بنویسد و این کار را مدت ها انجام داد و گویا سیصد منبر

۶۷. برای اطلاع بیشتر به ج ۳ ذریعه و نایفه فقه و حدیث و فهرستاره دستنویست های ایران حرف ناه رجوع شود. اما کتاب لؤلؤ الحسین فی شرح خصائص الحسین که در ذریعه، ج ۱۷، ص ۱۶۶ و آیه الله مرعشی موجود است. ترجمه خصائص شوشتری نیست و اینکه بعضی آن را ترجمه خصائص دانسته اند اشتباه است. و به مناسبتی در آینده آن را معرفی خواهیم کرد.

۶۸. رساله ای که اول منهج الرشاد است عنوان حدیقه ندان و بنابر این حدائق غیر از رساله اصول دین است. در همین حال باید متذکر حدائق با آن مطالعه شود.

۶۹. ذریعه، ج ۱۲، ص ۲۱۶.
۷۰. مرقعة طبقات الشهاب، ج ۱۳، ص ۱۶۰.
۷۱. احیای انشیعه، ج ۲، ص ۹۵.

۷۲. اعلام الشیعه سده چهاردهم، ج ۵، ص ۱۶۶.





راثبت و مضبط کرده بود. و توفیق یافت ۵۹ یا ۶۰ مجلس آن را تدوین و آماده کند و آن را فوائد المشاهد نامید و یک سال قبل از وفات او چاپ شد و پس از وفات او هم هفت بار یا بیشتر چاپ شده،^{۷۲} و همواره مورد استفاده بوده است.

منبرهایی که در این کتاب گردآوری شده تاریخ ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ و ۱۳۰۳ دارد و برخی در کاظمین و برخی در کربلا و برخی در نجف افافه شده است.^{۷۳}

غیر از این کتاب، کتاب‌های دیگری هم به عنوان منبرهای مرحوم شوشتری در میان نسخه‌های خطی و چاپی هست که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

البته گفته شده که برخی از این کتابها بخشی از فوائد المشاهد است. در هر صورت بسیار مناسب است این منبرها با حذف مکررات آن یکجا به صورت خوبی چاپ شود؛ زیرا بسیاری از منبرهای مرحوم شوشتری در حقیقت درس اخلاق و پارسایی است.

هفت: سی مجلس

در کتاب آیات بینات اثر صاحب قاموس الرجال یاد شده^{۷۴} و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم است.

هه: بیست و سه مجلس

تدوین کننده آن همان مؤلف فوائد المشاهد است و در پایان از اینکه نتوانسته پنج مجلس دیگر را (که جمعاً ۲۸ مجلس مربوط به ماه رمضان بوده) به آن ملحق کند پوزش خواسته است.^{۷۵} این کتاب به ضمیمه کتاب بعدی به نام مجالس شوشتری در ۱۳۸۷ در قم چاپ ششم شده است.

ده: سیزده مجلس

در ذریعه یاد شده است و فرموده تدوین کننده آن برخی از فضلا بوده است.^{۷۶}

یازده: چهارده مجلس

که نام دیگر آن مجالس المواعظ یا مجالس المواعظ و البکاء است. در احسن الودیعه یاد شده. و از سال ۱۳۰۷ به بعد بارها چاپ شده است.^{۷۸}

دوازده: پانزده مجلس یا مجالس البکاء

در ریحانة الأدب خیابانی یاد شده است.^{۷۹}

سیزده: هشت مجلس

نسخه خطی آن در فهرست دستنوشته‌های ایران در حرف هاء معرفی شده است.^{۸۰}

۷۲. به فهرست مشارف ماه جمیع شود.
۷۳. این خصوصیات در خود کتاب یاد شده است.

۷۴. آیات بینات، ص ۱۲۳.

۷۵. مجالس شوشتری (۳۷ مجلس)، ص ۲۴۸.

۷۶. در معجم، ج ۱۹، ص ۳۵۲.

۷۸. فهرست مشارف میم و احسن الودیعه، ص ۷۷.
۷۹. ریحانة الأدب، ج ۲، ص ۱۴۰.

۸۰. در میان کتابهای شماره هفت تا سیزده، مجالس بسیاری از این کتابها مشترک است و بررسی دقیق آنها به فرصت دیگری نیاز دارد. (دیراستار)





چهارده: روضات الجنات

رساله‌ای است ظاهرآ دربارہ قرآن که مؤلف در کتاب خصائص خود از آن نام برده و از خدا توفیق اتمام آن را خواسته است. و در ذریعه نیز یاد شده است^{۸۱} البته نسخه‌ای از آن در دست نیست.

پانزده: صاحب احسن الودیعه گوید: «او کتاب‌های مبسوطی در فقه و اصول داشته که پاک‌نویس نشده است»^{۸۲}.

و سید حسن صدر فرموده: «وله کتابات فی الفقه والأصول والحديث.....»^{۸۳}.

متأسفانه از کتابهای فقهی و اصولی او چیزی در دست نیست؛ فقط به تازگی مجموعه‌ای از یادداشت‌های فقهی و اصولی او در یک جلد چند صد صفحه‌ای پیدا شده که برخی از فضلا در صدد تحقیق و نشر آن هستند.

برای اطلاع بیشتر از کم و کیف این کتاب به کتاب شیعه یک رجوع شود.

در برخی از مصادر کتابی به نام مبادی الأصول از تألیفات شوشتری به شمار آمده که ظاهرآ اشتباه است. آری همان طور که پیش تر گفتیم، نسخه‌ای از این کتاب که از علامه حلی است به خط پدر شیخ جعفر، در یکی از کتابخانه‌های دزفول موجود است.

کسانی که از او اجازه دارند یا شاگرد او بوده‌اند.

۱. میرزا محمد جعفر بن میرزا علی نقی بن سید حسن بن سید محمد مجاهد طباطبائی متوفای ۱۳۲۱. صاحب تألیفات فراوان، از تعدادی از علمای بزرگ مانند فاضل اردکانی و شیخ زین العابدین مازندرانی اجازه روایت دارد از جمله آنان است شیخ جعفر تستری^{۸۴}.

۲. سید عبدالصمد نواده سید نعمت الله جزائری متوفای ۱۳۳۷. صاحب حاشیه رسائل شیخ انصاری و المحاکمات بین القوائین والفصول وغیره. و از شاگردان شیخ انصاری و میرزای شیرازی. از چند نفر از فقه‌های بزرگ مانند میرزا حبیب الله رشتی و فاضل اردکانی اجازه روایت داشته و از جمله آنان شیخ جعفر تستری است.^{۸۵}

۳. میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود الهمدانی متوفای ۱۳۰۵. تألیفات فراوان او در الذریعه و اعلام الشیعه یاد شده. از تألیفات او کتاب غنیمه السفر فی ترجمه الحاج شیخ جعفر است و گویا اولین شرح حالی است که برای مرحوم شوشتری نوشته شده و در تاریخ ۱۳۶۸ چاپ شده است. در پایان این کتاب، مؤلف اجازه‌ای را که شیخ جعفر برای او نوشته آورده است.^{۸۶}

۴. از شاگردان و اصحاب اوست حاج ملا محمد بن علی اشرف طالقانی، متوفای ۱۳۲۹ صاحب

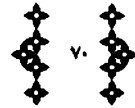
۸۱. ذریعه ج ۱۷، ص ۳۸. ۸۲. نقل از خصائص الحسین، ص ۲۰۴. چاپ ۱۳۰۳. ۸۳. احسن الودیعه، ص ۷۷. ۸۴. تكملة، ج ۲، ص ۲۵۸.

۸۵. اعلام الشیعه سده چهارده، ص ۱۲۹۴. تكملة سده ج ۴، ص ۲۸۲.

۸۶. اعلام الشیعه سده چهارده، ص ۱۱۳۲.

۸۷. فنیة السفر در کتاب شیعه (ش یک) چاپ شده است.





کتاب حیات الانسان وکتاب فوائد المشاهد.^{۸۷}

۵. شیخ مهدی لاهیجی از تلامیذ او بوده و در سال ۱۲۹۴ منہج الرشاد را به عربی ترجمه کرده است.

۶. شیخ علی بن شیخ محمد رضا کاشف الغطاء متوفای ۱۳۵۰. وی از تعدادی از علمای بزرگ از جمله شیخ جعفر تستری اجازه روایت دارد و از مشایخ صاحب ذریعه و صاحب احسن الودیعه است.^{۸۸}

۷. شباب شوشتری متوفای ۱۳۲۴. دیوان شعر او چاپ شده و نسخه خطی آن هم در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. علامه طهرانی می نویسد: «تخلص «شباب» را از استادش شیخ جعفر شوشتری گرفته است».^{۸۹}

۸. حاج ملافتح الله فای شیخ شوشتری متوفای ۱۳۰۴. در سال های آخر عمر در نجف اشرف مشرف بوده و در سال ۱۲۹۴ رساله الشهاب الثاقب در رد صوفیه^{۹۰} را به امر حاج شیخ جعفر شوشتری نوشته است. «البته اینکه او شاگرد شیخ شوشتری بوده باشد معلوم نیست. علامه طهرانی می نویسد: «معاصر و مصاحب حاج شیخ جعفر شوشتری بوده است».^{۹۱}

۹. میرزا ابراهیم محلاتی متوفای ۱۳۳۶ و از شاگردان میرزای شیرازی و صاحب حاشیه رسائل شیخ انصاری و رساله رد بر حاکم کریم خان کرمانی.^{۹۲} در کتاب اختران فقاہت به نقل از کتاب شرح زندگانی آیه الله محلاتی نقل شده که وی عموزاده شیخ جعفر شوشتری و شاگرد او بوده است.^{۹۳}

۱۰. شیخ محمد باقر قائینی متوفای ۱۳۵۲ و صاحب کتاب کبریة احمر و تألیفات دیگر. وی از حاج شیخ جعفر اجازه روایت داشته است.^{۹۴}

۱۱. شیخ جعفر شرف الدین شوشتری متوفای ۱۳۳۵. وی همانطور که پیش تر گفتیم خصائص الحسین علیه السلام شوشتری را به فارسی ترجمه و شرح کرده است. صاحب اعیان الشیعه به نقل از رساله الدر الثمین،^{۹۵} حاج شیخ جعفر را از مشایخ او شمرده است.^{۹۶}

۱۲. سید عبدالحسین مرعشی متوفای ۱۳۲۳ و صاحب شرح نجات العباد. وی از شاگردان شیخ شوشتری بوده است.^{۹۷}

۱۳. شیخ موسی جزائری از شاگردان حاج شیخ جعفر شوشتری و شیخ محمد حسین کاظمی بوده است.

۱۴. در کتاب اختران فقاہت، شیخ احمد محلاتی (متوفای ۱۳۲۵) برادر شیخ ابراهیم محلاتی را که پیش تر یاد شد نیز از شاگردان شیخ شوشتری دانسته شده ولی مدرک آن نقل نشده است.

۸۷. اعلام الشیعه سده چهاردهم، ج ۵، ص ۱۶۴.
۸۸. اعلام الشیعه سده چهاردهم، ص ۱۳۳۹، احسن الودیعه، ص ۱۷.

۸۹. ذریعه، ج ۹، ص ۵۵.
۹۰. ابن رساله در کتاب شیخ وفاتی و نیز در مسند مکتب و سی سال ۳، ش ۹ چاپ شده است.

۹۱. اعلام الشیعه سده چهاردهم، ج ۵، ص ۱۱۸، ذریعه، ج ۱، ص ۱۰، ص ۲۸.

۹۲. ذریعه، ج ۹، ص ۱۰، ص ۱۲۴.
۹۳. اختران فقاہت، ج ۱، ص ۱۳۲، ج ۲، ص ۱۷۳.

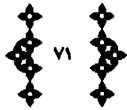
۹۴. اعلام الشیعه سده چهاردهم، ص ۱۲۰، اختران فقاہت، ج ۱، ص ۱۳۴.

۹۵. الدر الثمین رساله ای است در شرح حال حسین شیخ شرف الدین.

۹۶. اعلام الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷، اختران فقاہت، ج ۱، ص ۱۳۴.

۹۷. اعلام الشیعه سده چهاردهم، ص ۱۶۰، اختران فقاہت، ج ۱، ص ۱۳۳.

۹۸. اعلام الشیعه سده چهاردهم، ج ۵، ص ۱۲۲، اختران فقاہت، ج ۱، ص ۱۳۳.



۱۵. حاج ملا یاقر شوشتری نجفی متوفای ۱۳۲۷. وی در کتاب تذکره خود برخی از مطالبی را که از حاج شیخ جعفر شنیده نقل کرده است.^{۳۰}

۱۶. سید نورالله غفاری دزفولی. مؤلف کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری می نویسد:

از علمای معروف قرن چهاردهم که در قدس وزهد و امر به معروف و نهی از منکر و وعظ و ارشاد مردم باید اورا یگانه زمان خود دانست... تحصیلاتش نزد شیخ انصاری و شیخ جعفر شوشتری بوده... و به سال ۱۳۱۰ یا ۱۳۱۱ در دزفول درگذشت.

۱۷. شیخ محمد باقر بهاری همدانی از شیخ جعفر اجازه مویخ ۱۳۰۱ دارد. به فهرست مرعی (ج ۳، ص ۵۷) رجوع شود.

مناسب است اینجا از همدرس و هم مباحثه اوائل تحصیل شیخ هم یاد کنیم. سید حسن صدر می نویسد:

با شیخ فقیه محمد حسن آل بس کاظمی متولد ۱۲۱۰ و متوفای ۱۳۰۸ شریک درس بود و از هم جدا نمی شدند. در این موضوع بسیار شبیه با هم بودن، مانند صاحب مدارک و صاحب معالم بودند. با هم نزد شیخ عبدالنبی کاظمی و شیخ اسماعیل شوشتری درس می خواندند و هنگام وقوع طاعون با هم به شوشتر رفتند و سپس با هم به کربلا رفته و تحصیلات خود را پی گیری کردند. آنگاه به نجف رفته با هم به درس صاحب جواهر رفتند.

۱۸. شیخ عبدالله نعمت عاملی متوفای ۱۳۰۲ به نقل از کتاب معارف الرجال، ج ۲، ص ۱۶.

فرزندان

حاج شیخ جعفر سه یا چهار پسر داشته است.

۱. شیخ محمد علی، مؤلف کتاب نایبه فقه و حدیث می نویسد:

وی جانشین پدر بود و از صاحب کتاب غیمه السفر اجازه [روایت] داشت. وفات او در ۱۳۲۲ بوده و در مقام صاحب الزمان علیه السلام از بقاع الخیر شوشتر مدفون است.^{۳۱}

و در مآثر و آثار می نویسد:

خلف قرین الشرف شیخ الزهاد اوجده الأتاد حاج شیخ جعفر مجتهد شوشتری - رضوان الله علیه - در خوزستان ریاست کلیه دارد - مد الله طلاله.^{۳۲}

شیخ محمد علی فرزندان دانشمندی داشت:

* شیخ محمد جواد متوفای ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ و مؤلف شرح خطبه همام^{۳۳} و شرح دعای مکرم الأخلاق.^{۳۴}

۱.۱. ذریعه، ج ۴، ص ۲۲. اعلام الشیعه سده چهارده، ص ۲۱۸.

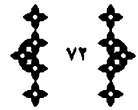
۱.۱. نایبه فقه و حدیث، ص ۲۹۳.

۱.۲. مآثر و آثار، ص ۱۸۶.

۱.۳. نایبه فقه و حدیث، ص ۱۶۵.

۱.۴. اعلام الشیعه سده چهارده، ص ۳۳۴.





* شیخ مرتضی صاحب کتاب محرق الجنان فی حوادث الزمان. در سال ۱۳۳۴ به تحریک انگلیسی‌ها شهید شده است. علامه طهرانی می‌نویسد:

چون در این کتاب جنایات انگلیسی‌ها نگاشته شده بود نگذاشتند چاپ شود. و نسخه آن را نزد فرزندش آقاخلیل دیدم.^{۱۵}

* فسیح محمد کاظم متوفای ۱۳۷۱. از مراجع تقلید منطقه خوزستان بود و رساله عملیه اوبه نام منتخب المنتخب چاپ شده است.^{۱۶}

وی والد علامه حاج شیخ محمد تقی شوشتری صاحب قاموس الرجال و برادر شیخ بهاء الدین شریعت - رحمه الله علیهما - است.

۲. فرزند دیگر حاج شیخ جعفر شوشتری شیخ اسماعیل است. و فرزند او محمد باقر نیرومند متوفای ۱۳۶۹ کتاب غنیمۃ السفر را در سال ۱۳۶۴ استنساخ و سپس به فارسی ترجمه کرده که عکس آن در ایام بزرگداشت حاج شیخ جعفر شوشتری در اختیار برخی از دانشمندان قرار گرفت.

۳. سومین فرزند حاج شیخ جعفر، شیخ ابراهیم است. وی پدر صدری کیوان است که مقاله‌ای از او در شرح حال جدش در مجله وحید چاپ شده و از مصادر مکالم الآثار قرار گرفته است.^{۱۷}

در مکالم الآثار گوید:

فرزند چهارمی به نام ملا رضا ذاکر برای شیخ شوشتری دربرخی کتاب‌ها یاد شده است. که شاعر بوده و تخلصش فیاض است.^{۱۸}

همین آقای صدری کیوان می‌نویسد:

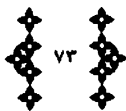
حدّ من حاج شیخ جعفر شوشتری علاوه بر خدمات زیادی که با تألیفات عدیده خود به مذهب شیعه نموده، خدمات اجتماعی مهمی داشته و در هر حال به حد توانائی وسیله رفاه خاطر اهالی و مستمندان را فراهم می‌ساخته است؛ از جمله کارهایی که به دستور و همت ایشان انجام شد بستن پلی است برسد شادروان که در سمت مغرب شوشتر بر رودخانه شطیط شاخه‌ای از کارون واقع است. ایشان با سعی و زحمات زیادی مبلغ هشتاد هزار ریال تمام از دولت وقت گرفته بل را بستند. این پل در وضع اقتصادی شهر شوشتر بسیار مؤثر افتاد؛ زیرا بعد از بستن پل، شوشتر مرکز تجارت و زانوگاه مکاربان شد و بیشتر اجناس از هندوستان در شوشتر وارد می‌شد و از آنجا به تهران و اصفهان و سایر نقاط حمل می‌گردید.

از جمله خدمات مهم دیگرش نگهداری از فقرا و ضعفا در قحطی سال ۱۲۸۸ هجری قمری می‌باشد که به کلیه تجار مسلمانان دنیا نامه‌ها نوشت و آنان را تشویق

۱۵. در مجموع ۱۲۰ ص ۱۲۸.
۱۶. نایبه فقه و حدیث، ص ۲۹۳. زندگانی شیخ انصاری، ص ۱۱۱. اختران قلمنت، ص ۱۶۵.

۱۷. مکالم الآثار ج ۳، ص ۸۹.

۱۸. مکالم الآثار ج ۳، ص ۸۴.



و تحریص به اتفاق و صدقه نمود. طولی نکشید که از اطراف، خوار و باز یاری به شوشتر حمل گردید و توانست روزی یک نوبت به فقرا خوراک بدهد.

مقام علمی و فقاہت او .

برای اثبات فقاہت آن بزرگوار همین بس که سال‌ها از محضر درس صاحب جواهر و شیخ انصاری استفاده کرده و از هر دو اجازه داشته است و همه کسانی که برای او شرح حال نوشته‌اند او را به عنوان فقیه یاد کرده‌اند. اما مناسب است چند مطلب یاد شود:

۱. در آغاز مجموعه یادداشت‌های فقهی او که به تازگی یافت شده می‌نویسد:

هنگام بازگشت از حج خانه خدا در سال ۱۲۷۱ زمانی که در نجف بودم هر شب برای بحث در برخی مسائل فقهی و اصولی به خدمت شیخ انصاری مشرف می‌شدم و این یادداشت‌ها نتیجه آن بحث‌ها و استفاده از شیخ انصاری است.

۲. علامه طهرانی در شرح حال شیخ محمد طاهر دزفولی می‌نویسد:

وی از مشایخ اجازه سید عبد الصمد شوشتری است و هنگامی که شیخ محمد طاهر و شیخ جعفر شوشتری گواهی به اجتهاد سید عبد الصمد دادند مرحوم علامه ملا علی خلیلی در اجازه‌ای که در سال ۱۲۹۲ برای سید عبد الصمد نوشت: او به تصدیق شیخین جلیلین معظمین محققین مدققین... اعنی جناب الشیخ جعفر و الشیخ محمد طاهر - آدم الله علامه^{۱۰۹}

۳. رساله منهج الرشاد او مورد توجه اعاظم فقهائ بعد از خود قرار گرفت و درباره آن سید حسن صدر گفته: «در فارسی مانند آن نگاشته نشده». و این کتاب شاهد تبحر و مهارت مؤلف آن در فقه است.^{۱۱۰}

۴. یکی از اعاظم علما سید محمد باقر طباطبائی یزدی متوفای ۱۲۹۸ که علامه طهرانی درباره او نوشته: «کان عالماً متبحراً طویل الباع فی الاصول والفقه والحديث وله فی الوعظ المقام العالی»^{۱۱۱} کتابی به نام لوائح اللوحین فی اسرار شهادة الحسین دارد که نسخه آن در کتابخانه آیه الله مرعشی هست - همان کتابی است که به اشتباه شرح و ترجمه خصائص الحسین^{۱۱۲} شیخ جعفر شوشتری دانسته شده.

تقریبی از شیخ جعفر شوشتری مورخ ۱۲۹۴ بر نسخه موجود این کتاب است که از آن استفاده می‌شود که تا چه اندازه مرحوم شیخ شوشتری نزد بزرگان علما منزلت داشته است.^{۱۱۳}

و نیز نامه‌ای از شیخ انصاری، به وی در دست است که از جهات متعدد دال بر عظمت شیخ شوشتری است. به کتاب جنگ انجمن فهرست نگاران (دفتر دوم ص ۳۹۵) رجوع شود.

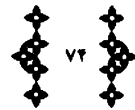


۱۰۹. اعلام النبیه ص ۵۷۰ چهارده، ص ۱۹۷

۱۱۰. تکملة صدر ج ۲، ص ۲۵۸

۱۱۱. اعلام النبیه ص ۵۷۰ سیزده، ص ۱۹۱

۱۱۲. فهرست مرعشی ج ۱، ص ۳۶۶ و همگی ش ۳۶۱



منبر و نفوذ کلام ایشان

صاحب معارف الرجال می نویسد:

ما در محفل موعظه او بسیار شرکت کردیم. علما و فضلا عصر و تجارت و دیگران از منبر او بهره می بردند. از کسانی که در مجلس وعظ او حاضر می شد شیخ محمد حسین کاظمی و حاج میرزا حسین خلیلی و برادر بزرگ ترش شیخ ملاعلی خلیلی و عموی من شیخ محمد حرزالدین و غیر اینها از اجلاء فارس و عرب و ترک. در آغاز در مسجد خضراء منبر می رفت که به خاطر کثرت جمعیت به صحن غروی منتقل شد.^{۱۱۲}

۱۱۲. معارف الرجال، ج ۱، ص ۱۶۵.

صاحب قاموس الرجال از پدر خود نقل می کند که:

گاهی برخی از کارمندان دولت عثمانی پای منبر او حاضر می شدند. پس هنگامی که شروع به خواندن آیات قرآن مجید می کرد آنها گریه می کردند و می گفتند: گویا این آیات را تاکنون نشنیده بودیم و گویا الان جبرئیل آن را آورده است. و نیز پدرم گفت یکی از همراهان او در سفر مشهد و یازگشت از آن می گفت: «شیخ شوشتری مشک مشک از دیدگان شنوندگان روضه و مرثیه اش اشک می گرفت».^{۱۱۳}

۱۱۳. آیات بینات، ص ۱۳۴.

مرحوم خیابانی گوید:

مرحوم حاج میرزا اسدالله مجتهد تبریزی فرمود: اثر انفاس قدسیه و تأثیر اندرز و موعظه حاج شیخ جعفر شوشتری به نحوی بود که علما و مجتهدان و مسلمانان مثل مجلس روضه گریه و ناله می کردند روزی این آیه را از سوره یس خواند: «و اما تنزلوا اليوم ایها المجرمون» فریاد و ضجه از حاضران بلند شد.^{۱۱۴}

۱۱۴. علماء معاصرین، ص ۱۶.

محدث قمی فرموده:

کسانی که منبر او را درک کرده اند می دانند درجه درجه از وعظ و تذکیر و تحقیقات شریفه و اطلاع بر دقائق و اشارات در مصائب و آثار بود.^{۱۱۵}

۱۱۵. فوائد رضویه، ج ۱، ص ۱۳۰.

حاجی نوری در دارالسلام گوید:

در این سال ۱۲۹۱ یا ۱۲۹۲ که او وارد نجف شد همه فضلاء برای استفاده از او نزدش هجوم آورده و اعظم علما از انوار تحقیقات او استفاده می کنند و ماه رمضان و عاشورا و جمعه و پنج شنبه مجلس وعظ او محفلی است که ساکنان ملا علی به آن غبطه می خورند.^{۱۱۶}

۱۱۶. دارالسلام نوری، ج ۲، ص ۳۰.

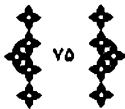
آیت الله العظمی اراکی، از مرحوم آیت الله العظمی حائری مؤسس حوزه علمیه قم آورده اند که:

روزی بهای منبر مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری بودم که در اوج سخن به ناگاه خطاب به انبوه مردم گفتم: «هان ای مردم! می خواهم شما را بیازمایم که آیا اهل



کتاب ششم (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

[مقالات]
حاج شیخ جعفر شوشتری



ایمان هستید یا نه؟ چرا که خدا در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ اللَّهِ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رُبَّمَا يَتَذَكَّرُونَ»؛ ایمان آوردگان تنها کسانی هستند که چون نام خدا برده شود خوف بردل‌هایشان چیره می‌گردد و هنگامی که آیات خدا بر آنان تلاوت شود ایمانشان افزون می‌گردد و پسر پروردگار خویش اعتماد می‌کنند. اینک، آیاتی از قرآن را برای شما تلاوت می‌کنم تا با دیدن ازگداری قرآن یا عدم اثرپذیری شما معلوم گردد که به راستی اهل ایمان هستید یا نه؟».

آیت الله حائری می‌افزایند: با سخن مرحوم شوشتری، من سخت بر خود لرزیدم و به فکر فرو رفتم که اگر آیاتی تلاوت کرد و در من اثر و انعکاسی نداشت، چه خاکی بر سر کنم؟ در این حال خویش را جمع و جور کردم و آماده نشستم، تا آیات را آنگونه که شایسته گوش جان سپردن به قرآن است، بشنوم. آنگاه اوبه تلاوت قرآن پرداخت و آیاتی چند با شور و وصف ناپذیری تلاوت کرد و خدای را سپاس که آن آیات در من اثری عمیق نهاد.

آیة الله حاج شیخ محمد علی معری دزفولی نقل شده که فرمود:

«شیخ محمد رضا دزفولی می‌گفت در جوانی که منبرترین بین خود می‌رفتم منبر حاج شیخ جعفر تا یک هفته درما اثر داشت.».

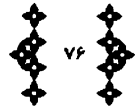
گفته شده:

روزی با جمعی در کاروانسرای نئسته بود. مردم مسائل دینی از ایشان می‌پرسیدند و شیخ پاسخ می‌داد. ناگاه دیدند حال شیخ دگرگون شده شروع به گریستن کرد. حاضران تعجب کردند. یکی از آنان پرسید: سبب گریه شما چیست؟ ایشان با دست به گوشه‌ای اشاره کرد که در آنجا الاغی تازه بار خود را به زمین گذاشته بود. سپس فرمود: آن حیوان را ببینید بار خود را به منزل رساند، گریه‌ام برای این است که اوبارش را به منزل رساند، اما من که انسان هستم نتوانم بار را به منزل برسانم و نزد خدای متعال سرشکسته باشم.

حاجی نوری در دارالسلام می‌فرماید:

شیخ جعفر شوشتری به من گفت: چون از تحصیل در نجف فارغ و به شوشتر مراجعت کردم شروع نمودم به هدایت مردم و چون به آثار و مواعظ و مصائب اهل بیت مسلط نبودم، اکتفا کردم به اینکه در منبر از روی کتاب تفسیر صفائی برای مردم بخوانم و در ایام عاشورا کتاب روضه الشهداء کاشفی را برای مردم می‌خواندم و موعظ و روضه خواندن از حفظ برآیم ممکن نبود. یک سال به این منوال گذشت





سأه محرم نزدیک شد شبی با خود گفتم تا کسی باید از روی کتاب بخوانم پس در فکرفرو رفتیم که چه کنیم که بتوانیم مطالب را از حفظ بیان نمایم، بسیار فکر نمودم تا خسته شده خوابم برد. در خواب دیدم گویا در زمین کربلا هستم و این درایام نزول اردوی حضرت حسین در کربلاست و خیمه ها زده شده و لشکر دشمن هم در مقابل هستند پس در خیمه امام حسین علیه السلام وارد شده و سلام کردم. آن حضرت مرا نزدیک خود طلبید و به حبیب فرمود - اشاره کرد به من - این مهمان ما است. اما آب پس یافت نمی شود، آنچه یافت می شود آرد و روغن است. برخیز طعامی درست کن و نزد او بیاور. پس جناب حبیب طعامی درست کرد و نزد من نهاد. پس من چند لقمه از آن میل کردم که بیدار شدم.

از برکت آن طعام خود را به نحوی یافتیم که به دقائی و اشاراتی در مصائب، ولعائن و کتابات در آثار اطائب [اهل بیت] پس می بردم، به نحوی که احدی بر من پیشی نگرفته، و این قوه در من زیاد شده تا ماه رمضان رسید، دیدم در مقام وعظ به منتهای خواسته خود رسیده ام.^{۱۸}

۱۸. فوائد رضویه ج ۱، ص ۱۳۶ به نقل از دارالسلام نوری.

شاهد صدق این رؤیا، کتاب خصائص الحسین علیه السلام و منبرهای ایشان است که به عنوان محاسنی یا فوائد المشاهد نشر یافته و در اختیار است.

و داستان هایی که در نفوذ کلام و تأثیر نفس ایشان ذکر شده، و اینکه اعظم علما به سخنرانی های مجالس مواعظ او جذب می شدند، همه و همه مؤید این است که آن بزرگوار مورد لطف و ویژه رسول خدا و فاطمه زهرا و ائمه اطهار - صلوات الله علیهم اجمعین - بوده است....

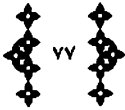
سفر مشهد

مرحوم شیخ جعفر شوشتری در نوجوانی در حوزه کاظمین درس می خوانده و سپس به شوشتر رفته و پس از مدتی به عتبات بازگشته و مدتی در کربلا مانده و سپس به نجف و در سال ۱۲۵۸ به شوشتر بازگشته است. از این تاریخ به بعد فقط این را می دانیم که در حدود سال ۱۲۷۰ و ۱۲۷۱ به حج خانه خدا مشرف شده و در بازگشت مدتی در نجف بوده و سپس به شوشتر بازگشته و در سال ۱۲۹۱ یا ۱۲۹۲ از شوشتر به نجف هجرت کرده است.

در سال ۱۳۰۲ به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام به طهران آمده و ماه رمضان در مدرسه سپهسالار اقامه جماعت کرده و هزاران نفر از منبر وعظ او استفاده نموده و سپس به مشهد مشرف و در بازگشت در کرد کرمانشاه از دنیا رفته و همان زمان آسمان ستاره باران شده است.

علامه طهرانی که در آن زمان ده ساله بود، خود از نزدیک نماز جماعت مدرسه سپهسالار را دیده و می نویسد:





هنگام نماز مسجد مالامال جمعیت بود. عمروی من مرا در جای بلندی قرار داده بود. وقتی نگاه به سراسر مسجد کردم یک جای خالی پیدا نمی‌شد.^{۱۱۹}

شرح این ماجرا را از کتاب زندگانی من تألیف عبدالله مستوفی و خاطرات صدرا لاکر اف نقل می‌کنیم:

عبدالله مستوفی (متوفی ۱۲۹۴) در کتاب شرح زندگانی من درباره حاج شیخ جعفر شوشتری می‌نویسد:

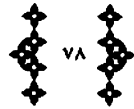
میرزا حسین خان سپهسالار عمرش به تمام کردن مدرسه وفا نکرد. و چون شاه وقت متولی مدرسه بود، ناصرالدین شاه این حق خود و رسیدگی به کار ساختمان را به یحیی خان مشیرالدوله برادران مرحوم واگذاشته، مأموریش کرد که از همان موقوفات مدرسه ساختمان آن را تمام کند، بنابراین مدرسه سپهسالار خرد ساخته شد. و اول محلی که طاق آن را زدند چهل ستون بود و بعد به مقصوره بزرگ سمت جنوب پرداختند. تازه طاق مقصوره تمام شده بود که حاجی شیخ جعفر مجتهد شوشتری مرد با تقوی که در آن واحد، واعظ و سخنران زبردستی هم بود از غنایات برای زیارت مشهد به ایران و تهران وارد شد. ماه رمضان بود. حاجی ملاعلی کنی از او تجلیل کرده یک روز در مسجد مروی او را مقدم داشت و تمام طلاب و مقدسین و خود حاجی ملاعلی هم پشت سرو نماز خواندند. فردا تمام مردم شهر برای نماز خواندن پشت سرو هجوم کردند.

ناصرالدین شاه مسجد نیمه تمام سپهسالار را برای نماز خواندن حاجی شیخ جعفر تعیین کرد. آجر و خاک و گچ و آشفال بنایی را از این سروان صحن و حجرات و چهل ستون و مقصوره جمع و محل را برای نماز آماده کردند و حاجی شیخ در محراب مقصوره سمت جنوب به نماز می‌ایستاد. چهل ستون را برای زن‌ها تخصیص دادند. تمام مقصوره و صحن و حجرات و ایوان‌های تختانی و فوقانی و راهروها و حوضخانه و مدخل و جلوخان و حتی در خیابان هم صفوف جماعت قائم می‌شد. یک روز تخمین کردند، بیست و چهار هزار نفر پشت سر این مجتهد به نماز ایستاده بودند که در هر فرمان الله اکبری بیست و چهار هزار نفر از رکنی به رکن دیگر نماز اقامت و قعود و رکوع و سجود منتقل می‌شدند. در تهران هیچ نظیر این جمعیت و جماعت دیده نشده بوده است. حاج شیخ جعفر بعد از نماز منبر هم می‌رفت. مردم برای رسیدن به نزدیک منبر او ازدحام عجیبی داشتند. من با آخوند (استاد) والله یک روز به این نماز حاضر شدم. عدهٔ مکترین شاید از صد نفر زیاد تر بود که همصدای موقع رسیدن رکوع و سجود و قیام و قعود را اعلام می‌کردند.

حاجی شیخ جعفر بعد از رمضان به مشهد رفت. ماه محرم مراجعت کرد. باز هم

۱۱۹. اعلام الشیعه سده چهارده، ص ۲۸۵.





ده پانزده روزی در مسجد سپهسالار نماز خوانند و منبر رفت و بعد به سمت عتبات عزیمت نمود و درگزند (کرمانشاه) دارفانی را بدرود گفت. در شب فوت او بر حسب تصادف تئاتر نجوم (سناره باران) عجیبی در آسمان اتفاق افتاد که نظیر آن هم تاکنون هیچ دیده نشده است. در چند ساعت اوایل شب هر دقیقه هفت هشت سناره از جای خود لغزیده در آسمان خطوطی رسم می کرد و همه مردم معتقد بودند که باید اتفاق فوق العاده ای افتاده باشد. فردا که خبر فوت مرحوم حاج شیخ جعفر به تهران رسید، همه گفتند: این تئاتر نجوم به واسطه این واقعه بوده است. البته این واقعه تصادف ولی تصادف عجیبی بود.^{۱۲۰}

صدرا لاشراف در یادداشت های خود می نویسد:

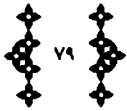
از وقایع قابل ذکر، آمدن حاج شیخ جعفر خوشنری از عتبات به تهران برای رفتن به مشهد بود. او به خانه حاج ملاعلی کنی که در آن تاریخ ریاست علمای تهران را داشت و متولی مدرسه مروی بود، وارد شد. ماه رمضان بود، او را به مسجد مدرسه مروی بردند و حاج ملاعلی کنی امامت جماعت را به او واگذار و خود به اوقاتدا کرد. شیخ بعد از نماز به منبری رفت و موعظه می کرد و قریب دو ساعت در منبر مشغول موعظه و ذکر حدیث و تفسیر آیات قرآنی و ذکر مصائب آل رسول ﷺ بود. و چون مسجد مروی گنجایش جمعیت حاضر برای نماز و موعظه شیخ را نداشت، بعد از سه چهار روز او را به مسجد سپهسالار - که معروف به مدرسه ناصری بود و بزرگ ترین مساجد طهران است - بردند. من ماه رمضان به جماعت او که نماز ظهر و عصر بود حاضر می شدم. نماز در مسجد زیر گنبد می خواند. من وقت سحر از منزل که خانه عمومی بود به مسجد می رفتم، برای اینکه جا برای نماز ظهر در مسجد داشته باشم و در آن وقت در صف چهارم یا پنجم جا می توانستم بگیرم.

نزدیک ظهر که می شد جای یکنفر برای اذراک نماز جماعت به یک تومان و دو تومان از فقرا که قبلاً جا گرفته بودند خریده می شد. و بالاخره تمام صحن مدرسه و حجرات و راهروهای مدرسه و مسجد تا جلو خیابان را صفوف جماعت می گرفت. و معروف بود که بیست و دوهزار جمعیت نماز بالغ شده است. دوران گرمای تابستان، آفتاب و سایه برای اقتدا کنندگان فرق نداشت. بعد از نماز جمعیت هجوم به طرف مسجد برای استماع موعظه می آورد و تا جایی که سایه ایوان مسجد را فرا گرفته بود، مردم می نشستند و عجب آنکه با ضمیم صدای شیخ که پیرمردی هشتاد ساله بود، صدای او به همه مستمعین می رسید؛ زیرا مردم به قدری مراقب بودند نفس به ملائمت می کشیدند برای اینکه صدای شیخ برسد. در آن سال تمام جوانان که اهل فسق و فجور بودند نائب شدند و راستی یک انقلاب دینی و اخلاقی در تهران مشهود می شد.^{۱۲۱}

۱۲۰. شیخ زندگانی من، ج ۱، ص ۲۹ چاپ اول.
آیه الله صالح میرزا جعفر سبحانی در بیان شان به
همایش بزرگداشت شیخ جعفر خوشنری در پیامشان به
حاج سید علی اسفندی طباطبائی شیدم سیزده ساله
بودم و با چشم خود شهاب باران را دیدم.

۱۲۱. مجله وحید، شماره ۹۱.





دروجال ایران این داستان را - شاید از کتاب مستوفی - مانند او نقل کرده است.

وفات

در سال ۱۳۰۳ هنگامی که از سفر مشهد بازگشت، به قولی وارد تهران شد. و باز چندی ماند و منبر رفت و سپس به قصد مراجعت به عتبات حرکت کرد، و به قول دیگر پس از مراجعت از مشهد بدون اینکه وارد تهران شود به سوی عتبات رفت و درگزند کرمانشاهان به رحمت خدا پیوست و جنازه را به نجف اشرف بردند.^{۱۱۱}

برای تاریخ وفات او این دو جمله ماده تاریخ است: «انه لبعثات استقره یا «کواکب قد نثرت» که هر دو برابر با ۱۳۰۳ و دومی اشاره به تناثر نجوم مصادف با وفات او دارد که پیش‌تر یاد شد.^{۱۱۲}

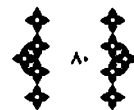
اینکه برخی بیستم صفروبرخی بیست و هشتم صفروبرخی دهم ربیع الاول^{۱۱۳} را به عنوان تاریخ وفات نوشته‌اند، شاید جهتش این باشد که اولی تاریخ وفات و دومی و سومی تاریخ وارد کردن جنازه به عتبات و دفن در نجف اشرف باشد؛ زیرا در آن روزگار پیمودن راه میان کرمانشاه و عتبات و نجف مدتی طول می‌کشیده است.

در مقبره آن بزرگوار، تعدادی از بزرگان علما مانند میرزا حسن آشتیانی متوفای ۱۳۱۹ و شیخ عبدالله مازندرانی متوفای ۱۳۳۰ و شیخ عبدالحسین بغدادی شاگرد میرزا محمد تقی شیرازی متوفای ۱۳۶۵ مدفون هستند.

یادآوری: در تمام مصادری که در ذیل یاد می‌شود کم و بیش اشتباهاتی (در تاریخ تولد، تاریخ رفتن به عتبات، مکان تحصیل، زمان بازگشت اول و دوم به شوش و زمان هجرت به نجف و...) رخ داده است که باید با تطبیق با آنچه پدر حاج شیخ جعفر در سال ۱۲۶۰ نوشته تصحیح شود، و در این مقاله این کار انجام شده است.

۱۱۲. رجال ایران، ج ۱، ص ۲۶۱.
۱۱۳. ماده تاریخ‌های دیگر هم هست مانند: والحدود
له ارضه و نباشرت و ۱۳۰۳.
۱۱۴. در غنیة السردم ربیع الاول را در زورزد
جنازه به کاظمین دانسته است.





مصادر

اعلام الشیعه علامه طهرانی، الذریعه علامه طهرانی، فهرست ذریعه؛ فهرست کتب چاپی فارسی خان بابامشار؛ فهرست کتب چاپی عربی خان بابامشار؛ فهرست حضرت آقای اشکوری در پانزده جلد؛ فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی؛ فهرستواره دستنویست های ایران؛ تکمله امل الأکل. سیدحسن صدر در شش جلد؛ اعیان الشیعه عاملی؛ تذکره شوشتر چاپ افسست؛ شجره مبارکه تالیف سیدمحمد جزائری؛ تکمله الرجال کاظمی؛ فوائد رضویه محدث قمی؛ دارالسلام حاجی نوروی؛ خصائص الحسین شوشتری؛ فوائد المشاهد شوشتری؛ ترجمه خصائص الحسین به نام اشک روان...؛ منهج الرشاد شوشتری؛ مجالس (۳۷ مجلس) شوشتری؛ مجموعه فقهی اصرلی شوشتری مخطوط؛ نایفه فقه و حدیث جزائری؛ اختران فقاہت انصاری؛ شرح حال خودنوشت شیخ حسین شوشتری مخطوط؛ نامه شیخ جعفر شوشتری به امین السلطان چاپ شده در مجله وحید؛ شرح حال وفاتی شوشتری از انتشارات صدر تهران؛ مجله مکتب وحی سال سوم ش نهم سال ۱۳۸۹؛ مقدمه کتاب اشک روان...؛ آیات بینات شیخ محمد تقی شوشتری؛ مصفی المقال علامه طهرانی؛ غنیمۃ السفر همدانی؛ مشاره درخشان شوشتر؛ نجوم السماء سه جلدی؛ قصص العلماء تنکابنی؛ مقاله آیه الله شفیعی؛ خاطرات صدراالاشراف؛ زندگانی من عبدالله مستوفی؛ مجله وحید؛ الاجازة الکبیره سید عبدالله جزائری؛ مقاله و پیام آیه الله سبحانی؛ مؤلفین کتب چاپی مشارا اثر آفرینان حاج سیدجواد ی و دیگران چاپ جدید؛ مآثر و آثار اعتماد السلطنه؛ مجمع الرسائل آیه الله العظمی بروجردی؛ احسن الذریعه کاظمی؛ علماء معاصرین خیابانی؛ مکرم الاکار معلم حبیب آبادی؛ معارف الرجال حرزالدین؛ دائرة المعارف تشیع؛ زندگانی شیخ انصاری نوشته انصاری.

توضیح: جز کتاب خاطرات صدراالاشراف از همه بی واسطه استفاده شده است.

